



بررسی قرآن کریم و فرامین ائمه اطهار علیهم السلام ما را به این مهم رهنمون می‌کند که توجه به اصل محکم‌کاری در همه امور، ضمن ایجاد جامعه‌ای سالم و به دور از اختلاف، امنیت روحی و روانی آن جامعه را تضمین می‌کنند، و ضامن سعادت دنیا و آخرت انسان است. برای نمونه، خداوند متعال در طولانی‌ترین آیه قرآن، ما را به دقت در خرید و فروش و قرض و تجارت، مأمور ساخته است تا ضمن گردش مال و سرمایه در بازار و یا رفع مشکل از

یکی از مهم‌ترین مسائلی که امروزه، تمامی ملل جهان بدان توجه دارند، بحث محکم‌کاری و استوار قرار دادن کارها است. گرفتن چک، سفته، ضامن، ضمانت‌نامه، گرفتن وثیقه و سند معتبر، اجبار قرار دادن مهندس ناظر برای ساختمان، الزام بیمه‌نامه برای وسایل نقلیه، طراحی بیمه‌های مختلف و... از بحث‌های مهم جهانی است که برای اطمینان از انجام صحیح کارها و تأمین آینده صورت می‌پذیرد.

مسلمانان، از هدر رفتن آن جلوگیری شود.

همچنین گاهی عهد و سوگند در اسلام برای محکم کاری و تأکید بیش تر اتخاذ شده است، درست همانند زمان حاضر که رجال سیاسی مانند: رئیس جمهور و نمایندگان مجلس، سوگند وفاداری در راه انجام وظیفه یاد می کنند؛ بعد از آنکه در انتخاب آنها به اندازه کافی دقت شده است.

محکم کاری نه فقط در مورد مادی و مسائل اجتماعی، بلکه در امور فرهنگی و معنوی و مسائل شخصی نیز باید مورد توجه جدی قرار گیرد. در این نوشتار برآنیم تا محکم کاری را در عرصه های مختلف فردی و اجتماعی، مادی و معنوی به صورتی گذرا مطرح کنیم.

۱. حفظ اعتقادات صحیح

اعتقادات، پایه اصلی هر مکتب و آیینی است. و عقاید انسان، در سرنوشت او نقش مهمی ایفا

می نماید؛ چرا که اگر اعتقادش بر مبنای صحیح و برگرفته از منبع وحی الهی باشد، باعث کمال و سعادت انسان می شود. و چنانچه این عقاید بر مبنای باطل و مسایل خرافی پایه ریزی شود، نه تنها باعث رشد و ترقی نمی شود، بلکه انسان را در معرض سقوط از ارزشهای انسانی قرار می دهد.

همچنین اعمال انسانها نشانگر طرز تفکر و اعتقادات درونی آنهاست؛ زیرا معیار ارزش هر کاری، انگیزه درست آن است و قرآن نیز با تعبیری همچون: «أَحْسِبُ، يُحْسِبُونَ، لَا يُحْسِبُونَ، أَفَحَسِبُونَ» و... از حسابگریهای متکی به خیال و پندار بی اساس، انتقاد کرده است.^۱

بنابراین در این بخش از فعالیت انسانی یعنی حفاظت از اعتقادات صحیح دینی لازم است بررسی دقیق را انجام دهیم تا اطمینان یابیم که اعتقادات ما کاملاً صحیح است و یا

۱. عنکبوت / ۲؛ زخرف / ۲۷.

محکم کاری نه فقط در مورد مادی و مسائل اجتماعی، بلکه در امور فرهنگی و معنوی و مسائل شخصی نیز باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

آنها را به بزرگان دین عرضه کنیم تا اگر دچار انحرافی گشته‌ایم و یا به یک مطلب خرافی معتقد شده‌ایم، در اعتقادمان تجدید نظر و آن را صحیح و محکم نماییم.

جناب عبدالعظیم حسنی^۱ گوید که خدمت امام هادی علیه السلام رسیدم.

۱. حضرت عبدالعظیم از بزرگان و دانشمندان زمان خود بود و به تقوا شهرت زیادی داشت و امام هادی علیه السلام بارها به یاران خود می‌فرمود: هر گاه مشکلی برایتان پیش آمد از عبدالعظیم بپرسید و سلام مرا به او برسانید و یک بار هم وقتی او عقاید خود را با امام در میان گذاشت، امام فرمود «به خدا قسم! این، همان عقیده راستینی است که خداوند برای بندگانش پسندیده است.»

هنگامی که چشم آن حضرت بر من افتاد، فرمود: «ای ابوالقاسم! خوش آمدی. تو از دوستان حقیقی و واقعی ما هستی. عرض کردم: «یابن رسول الله! میل دارم معتقدات دینی خود را بر شما عرضه بدارم. اگر عقائد من درست است، ثابت باشم تا آن‌گاه که رحمت خداوند را ملاقات کنم.» فرمود: «عقاید خود را اظهار کن.» امام پس از آنکه جناب عبدالعظیم حسنی عقاید خود را بیان می‌دارد، می‌فرماید: «ای ابوالقاسم! به خداوند قسم! این عقاید، دین خداست که او را برای مردم برگزیده است. بر همین عقاید ثابت باش. خداوند تو را در دنیا و آخرت بر همین عقیده ثابت بدارد.»^۲ بدین صورت جناب عبدالعظیم حسنی در مسائل اعتقادی خود به محکم کاری پرداخت.

۲. امور اجتماعی

اگر چه در زمان کنونی، سهل‌انگاری در کارها، بسیار مشاهده

۲. اعلام الوری، شیخ طبرسی، تهران، اسلامیه، سوم، ۱۳۹۰ ق، ص ۴۳۶.

می‌شود و بسیاری از اختلافها و سردرگمیها در سطح اجتماع از اینجا پدید می‌آید؛ اما باید دانست دین مبین اسلام، پیروان خویش را از هر گونه سستی و سهل‌انگاری منع می‌کند و به محکم کاری در این عرصه سفارش می‌فرماید. اکنون به برخی از آنها اشاره می‌شود:

الف. دوست گرفتن

ضرورت داشتن پشتوانه‌ای همچون دوست، بسیار روشن است؛ چرا که انسان به صورت فطری، اجتماعی آفریده شده است. در آیات و روایات اسلامی، دوست را ذخیره و پشتوانه دنیا و آخرت،^۱ مانند عضوی در بدن^۲ و باعث آرامش روحی و روانی^۳ معرفی کرده‌اند؛ اما بر این نکته اهتمام داشته‌اند که سختگیری و دقت

در انتخاب دوست بسیار ضروری است؛ چرا که خطر تأثیرپذیری از همنشینان ناشایست، بسیار جدی و غیرقابل چشم پوشی است؛ چنان‌که شاعر می‌گوید:

پسر نوح با بدان بنشست

خاندان نبوتش گم شد

و شاعری دیگر می‌گوید:

جاهل از بار تو نماید همدلی

عاقبت زخمت زند از جاهلی

به همین علت است که امام

صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَا تَعْتَدْ

بِمَوَدَّةِ أَحَدٍ حَتَّى تُفْضِبَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ؛^۴ با

کسی [پیمان] دوستی و مودت ایجاد

نکن؛ مگر آنکه سه دفعه او را به

[خشم و] غضب آوری.»

همچنین آن حضرت می‌فرماید:

«مَنْ غَضِبَ عَلَيْكَ مِنْ إِخْوَانِكَ ثَلَاثَ

مَرَّاتٍ فَلَمْ يَقُلْ فَبِكِ شَرًّا فَأَتَّخِذْهُ لِنَفْسِكَ

۱. مستدرک الوسائل، محدث توری، قم مؤسسه

آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق، ج ۸، ص ۳۲۳.

۲. الکافی، ثقة الاسلام کلینی، تهران، دار الکتب

الإسلامیه، ۱۳۶۵ ش، ج ۲، ص ۱۶۶.

۳. بحارالانوار، علامه مجلسی، بیروت، مؤسسه

الوفاء، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۱، ص ۲۳۴.

۴. تحف العقول، حسن بن شعبه حرانی، قم،

انتشارات جامعه مدرسین، دوم، ۱۴۰۴ ق، ص

صَدِيقًا^۱ از برادران دینی‌ات، کسی که سه بار نسبت به تو خشمگین شود؛ اما در مورد تو سخن زشتی نگوید، او را به عنوان دوست برگزین.»

دقت و حساسیت اسلام در انتخاب دوستانی شایسته، تأکیدی بر اهمیت موضوع و نوعی محکم‌کاری است تا دوست یابی، با سخت‌گیری آغاز و با دوام استحکام ادامه یابد.

ب. وام‌دادن

یکی از سفارشهای اسلام، رفع نیاز مالی مسلمانان با قرض است. صدقه حلوانی می‌گوید: که در میانه طواف بودم. یکی از دوستان از من دو دینار (اشرفی طلا) وام خواست. گفتم: «بنشین تا طوافم را تمام کنم.» پنج دور زده بودم، در شوط ششم بودم که امام صادق علیه السلام را زیارت کردم! ایشان دستش را روی شانهم گذاشت و در معیت آن حضرت به طواف ادامه دادم. من شوط هفتم را تمام کردم؛ ولی همراهی با حضرت را رها نکردم

و در طواف آن حضرت شرکت کردم تا ایشان به من تکیه دهند؛ ولی هر بار که با آن مرد روبه‌رو می‌شدم به خیال آنکه من حاجت او را فراموش کردم، با دست به من اشاره می‌کرد. آن حضرت فرمود: «چرا او با دستش اشاره می‌کند؟» گفتم: «قربانت شوم، چشم به راه است که من طوافم به پایان رسد و نزد او بروم و مقداری پول به او بدهم؛ ولی چون شما به من تکیه کردید، نخواستم شما را تنها گذارم. آن حضرت فرمود: «من را رها کن و حاجت او را برآورده ساز.»

صدقه حلوانی می‌گوید: «چون فردا و پس فردا شد و نزد آن حضرت رفتم با یارانش در گفتگو بود و چون مرا دید، حدیث خود را برید و به من فرمود: اگر حاجت برادرم را برآورده سازم، نزد من بهتر از آن است که هزار برده آزاد کنم و هزار اسب را با زین و لگام در راه خدا واگذارم.»^۲

۱. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۳۰.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۵.

با تمام سفارشاتى که اسلام بر حل مشکلات مالی، به ویژه به صورت قرض و وام دارد؛ اما بر گرفتن شاهد، رسید معتبر و یا کسی که پرداخت این پول را تضمین کند، تأکید کرده است.

امام صادق علیه السلام درباره اهمیت این موضوع می فرماید: «أَرْبَعَةٌ لَنَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ دَعْوَةٌ أَحَدُهُمْ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَالٌ فَأَذَانُهُ بِغَيْرِ بَيِّنَةٍ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَلَمْ أَمُرَكَ بِالشَّهَادَةِ؟^۱

چهار کس، دعایشان مستجاب نمی شود: یکی از آنها، مردی است که مالی داشته باشد و آن را بدون گرفتن شاهد، قرض دهد. خداوند عزیز و جلیل می فرماید: آیا تو را به گرفتن شاهد امر نکردم؟»

خداوند متعال در بزرگ ترین آیه از قرآن کریم می فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا إِذَا تَدَايْتُمْ بِدِينٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ﴾^۲ «ای کسانی که ایمان آورده اید! هنگامی که بدهی مدت داری [به خاطر وام یا داد و ستد] به یکدیگر پیدا کنید، آن را بنویسید و باید نویسنده ای از روی عدالت، [سند را] در میان شما بنویسد.»

در این آیه، به جهت طولانی بودن، ما فقط آن مقدار را که مستند بحثمان بوده آورده ایم، نوزده دستور مهم درباره وام و داد و ستد مالی بیان شده است که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. مدت بدهکاری، باید روشن باشد؛

۲. برای حفظ اعتماد و خوش بینی به همدیگر و آرامش روحی طرفین و جلوگیری از فراموشی، انکار و سوء ظن، باید بدهیها نوشته شود؛

۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، قم، مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۸، ص ۳۳۸.

۲. بقره/۲۸۲.

۸. کاتب و شاهد حق ندارند سند را به گونه‌ای تنظیم کنند که به یکی از طرفین ضرری وارد شود.^۱

ج. مزد کارگر

همان‌گونه که ذکر شد دستورهای اسلام به گونه‌ای است که عمل به آنها راه هرگونه اختلافی را می‌بندد و اجازه نمی‌دهد بین مسلمانان بر سر هر مسئله‌ای کدورت ایجاد شود. یکی از این دستورات، مربوط به تعیین مزد کار است.

سلیمان بن جعفر جعفری نقل می‌کند که برای کاری خدمت حضرت رضا علیه السلام رفته بودم. وقتی خواستم به منزل بازگردم به من فرمود: «امشب را پیش ما بمان.»

زمانی که خدمت ایشان وارد شدیم، چشم آن حضرت به غلامان افتاد که برای چهار پایان آخور درست می‌کردند. در بین آنها غلام

۳. برای اطمینان و حفظ قرار داد از دخل و تصرف احتمالی طرفین، سند باید با حضور طرفین و به دست شخص سوّمی نوشته شود؛

۴. تدوین سند باید به گونه‌ای باشد که حق ناتوان ضایع نشود. اگر بدهکار، سفیه یا ضعیف و ناتوان و یا گنگ و لال بود، سرپرست و ولی او متن قرارداد را بگوید و کاتب بنویسد؛
۵. گواهان باید دو نفر عادل و

مورد اطمینان و رضایت طرفین باشند؛

۶. ثبت سند به صورت دقیق و عادلانه سه فایده دارد:

الف. ضامن اجرای عدالت است؛

ب. سبب جرئت گواهان برای شهادت دادن است؛

ج. مانع ایجاد بدبینی در جامعه است.

۷. در معاملات نقدی، اگر چه

نوشتن لازم نیست؛ ولی شاهد بگیریید؛

۱. برگرفته از تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، اول، ۱۳۷۴، ج ۲، ص

د. داد و ستد

امروزه بسیار از اختلافها و کشمکشهای بین افراد، به ویژه دوستان بر سر مسائل مالی است. اگر چه اسلام بر تجارت داد و ستد در حد اعتدال سفارش می کند؛ اما بر این نکته پافشاری دارد که هر گونه رد و بدل کردن پول بین افراد، باید با حضور شاهد و نیز نوشته ای معتبر برای تأیید این نقل و انتقال صورت پذیرد. خداوند متعال در قرآن می فرماید: «... إِنْ أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهَدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ»^۱ «... مگر اینکه داد و ستد نقدی باشد که بین خود، دست به دست می کنید. در این صورت، گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید؛ ولی هنگامی که خرید و فروش می کنید، شاهد بگیرید...» همچنین نیمی از احکام فقهی مربوط به چگونگی معاملات بیع و سلف و مزارعه و مساقات و رهن و اجاره و... است و این بر

سیاهی را دید که از غلامان آن جناب نبود. فرمود: این مرد کیست؟» عرض کردند: «او در این کار به ما کمک می کند.» فرمود: «مزدش را معین کرده اید؟» عرض کردند: نه. او به هر چه ما بدهیم راضی خواهد شد.» امام علیه السلام ناراحت شد. عرض کردم: «آقا ناراحت نشوید.» فرمود: «من چند مرتبه آنها را از این کار نهی کرده ام که تا وقتی اجرت کسی را معین نکرده اید به کار نگیرید. هر کسی که برای تو کاری انجام دهد، بدون اینکه مزدش را معین کند اگر سه برابر هم به او بدهی، خیال خواهد کرد که اجرتش را کم داده ای؛ اما اگر اجرتش را مشخص کنی، وقتی اجرتش را دادی، خوشحال خواهد شد که به گفته خود وفا کردی. اگر مقداری هم اضافه به او داده شود، سپاس آن را خواهد داشت و متوجه است که به او اضافه داده ای.»^۱

۱. الکافی، ج ۵، ص ۲۸۸.

۲. بقره / ۲۸۲.

تزلزل موقعیت مسلمانان در جنگ خواهد شد، و پرداختن به امر اسیران و انتقال آنها به پشت جبهه، ایشان را از وظیفه اصلی باز می‌دارد.

مطلب دوم تعبیر به «فشدوا الوثاق» (با توجه به اینکه «وثاق» به معنای طناب یا هر چیزی است که با آن می‌بندند، اشاره به محکم‌کاری در بستن اسیران است؛ مبدا اسیر از فرصت استفاده کند و خود را آزاد ساخته و ضربه‌کاری وارد سازد.

۳. امور فردی

آنچه تاکنون گفته شد بخشی از دستورهای حیات‌بخش اسلام در امور اجتماعی بود؛ اما باید دانست دین، بر محکم‌کاری در تمام امور فردی نیز تأکید می‌کند و کسی حق ندارد حتی در امور فردی خویش، کم‌ترین سستی و اهمالی را روا دارد. از دیدگاه اسلام، هر کس حتی در قبال حفاظت از جان و مال و آبرو و حیثیت خویش، مسئول است و حق کوچک‌ترین سهل‌انگاری را در این‌باره ندارد.

اهمیت اسلام به مسئله محکم‌کاری در معاملات دلالت دارد.

هـ جنگ و مبارزه

آیه‌ای که به محکم‌کاری در جنگ توجه می‌کند، آیه ۴ سوره محمد است. قرآن کریم پس از بیان لزوم قاطعیت سپاه اسلام و در هم کوبیدن دشمن، به مسئله اسرای جنگی اشاره کرده، می‌فرماید: ﴿إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثَمَّتُمْهُمْ فَشْدُوا الْوَتَاقَ﴾؛ «و هنگامی که با کافران [جنایت‌پیشه] در میدان جنگ روبه‌رو شدید، گردنهایشان را بزنید، [و این کار را همچنان ادامه دهید] تا به اندازه کافی، دشمن را در هم بکوبید، در این هنگام، اسیران را محکم ببندید.»

این آیه شریفه به دو دستور فوق‌العاده در جنگ اشاره می‌کند: مطلب اول، بیانگر یک دستور حساب شده جنگی است که پیش از درهم شکستن قطعی مقاومت دشمن، نباید اقدام به گرفتن اسیر کرد؛ چرا که پرداختن به این امر، گاهی سبب

تهمت قرار دهد، فرد بدگمان به خود را سرزنش نکند.»

ج. فهم امور

یکی دیگر از مسائلی که اسلام به وسیله آن بر اصل محکم کاری در امور تأکید می‌ورزد، اصل مشاوره جهت به حداقل رساندن خطا و اشتباه در امور است. اصولاً مردمی که کارهای مهم خود را با مشورت و صلاح‌اندیشی یکدیگر انجام می‌دهند و با صاحب‌نظران به شور می‌نشینند، کم‌تر دچار لغزش می‌شوند. به علاوه کسی که در انجام کارهای خود با دیگران مشورت می‌کند، اگر مواجه با پیروزی شود کم‌تر مورد حسد واقع شود؛ زیرا دیگران، پیروزی وی را از خودشان می‌دانند و معمولاً انسان به کاری که خودش انجام داده حسد نمی‌ورزد و اگر احیاناً با شکست مواجه شود، زبان اعتراض و ملامت و شماتت مردم بر او بسته خواهد بود، قرآن مجید با تأکید بر اهمیت مشورت می‌فرماید: ﴿وَشَاوِرْهُمْ فِي

الف. حفظ مال و جان

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «مَنْ بَاتَ عَلَى سَطْحٍ غَيْرِ مُحَجَّرٍ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ فَلَا يُلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ؛ هر که در شب بر بام بی‌دیوار بخوابد و آزاری به او رسد، جز خود را ملامت نکند.»

همچنین می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ لَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ لَهُمْ بِالْحِفْظِ رَجُلٌ نَزَلَ فِي بَيْتِ خَرْبٍ وَ رَجُلٌ صَلَّى عَلَى قَارِعَةِ الطَّرِيقِ وَ رَجُلٌ أُرْسِلَ رَاحِلَتُهُ وَ لَمْ يَسْتَوْثِقْ مِنْهَا؛^۱ خدای [عزوجل] نهبانی از سه کس را نمی‌پذیرد: مردی که در خانه ویران زندگی کند و مردی که در وسط جاده به نماز ایستد و مردی که مرکب سواری خود را رها کند و آن را نیندد.»

ب. حفظ آبرو

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ عَرَّضَ نَفْسَهُ لِلتُّهْمَةِ فَلَا يُلُومَنَّ مَنْ أَسَاءَ بِهِ الظَّنَّ؛^۲ هر که خود را در معرض

۱. المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم،

دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ق، ج ۲، ص ۶۲۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۱۴۹.

۳. الکافی، ج ۸، ص ۱۵۲.

نکته مهم اینکه همان اندازه که هنگام مشورت، نرمش و انعطاف لازم است، قاطعیت در موقع اتخاذ تصمیم نهایی ضروری است. بنابراین پس از مشورت، باید هر گونه تردید و دودلی و آرای پراکنده را کنار زد و با قاطعیت تصمیم گرفت و این، همان چیزی است که در آیه فوق از آن به عزم تعبیر شده است و آن تصمیم قاطع است.

قابل توجه اینکه در آیه شریفه، طرف مشاوره به صورت جمع، ذکر شده است: (و شاورهم)؛ ولی تصمیم نهایی تنها به عهده فرد تصمیم گیرنده است.

د. ساختمان سازی

از اموری که باید اتقان و محکم کاری در آن لحاظ شود، ساختمان سازی است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَّقَنَهُ»^۱ خداوند تعالی دوست دارد که هر گاه فردی از شما کاری کند آن را محکم [و

کسی که در انجام کارهای خود با دیگران مشورت می کند، اگر مواجه با پیروزی شود کم تر مورد حسد واقع شود؛ زیرا دیگران، پیروزی وی را از خودشان می دانند و معمولاً انسان به کاری که خودش انجام داده حسد نمی ورزد و اگر احیانا با شکست مواجه شود، زبان اعتراض و ملامت و شماتت مردم بر او بسته خواهد بود،

الأمرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ؛^۱ «در کارها با ایشان مشورت کن و چون قصد کاری کنی بر خدای توکل کن.»

۱. کنز العمال، ۱۱۲۸.

۱. ال عمران، ۱۵۹.

می‌شود و می‌پوسد؛ ولی خدا بنده‌ای را دوست دارد که چون کاری انجام دهد، آن را درست و استوار به انجام برساند. در این ماجرا پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حتی در ساختمان قبر، محکم کاری را رعایت کرده است.

نمونه دیگر محکم کاری را می‌توان در کار ذوالقرنین مشاهده کرد. گروهی به وی گفتند: «ای ذوالقرنین! یا جوج و مأجوج در این سرزمین فساد می‌کنند. آیا ممکن است ما هزینه‌ای برای تو قرار دهیم که میان ما و آنها سدّی ایجاد کنی؟ ذوالقرنین به خواسته آنها پاسخ مثبت داد و به کمک آنها ساخت سد را شروع کرد. قرآن کریم در سوره کهف به چگونگی ساخت این سد می‌پردازد. نخستین دستور ذوالقرنین، جمع‌آوری قطعات بزرگ آهن بود: **﴿أَتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ﴾**؛ «قطعات بزرگ آهن برایم بیاورید [و

بی‌عیب] انجام دهد.» این حدیث شامل همه کارها، و از جمله ساختمان سازی می‌شود.

عبدالله بن سنان از حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام روایت می‌کند که: نزد پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدند و گفتند: «سعد بن معاذ در گذشته است.»

پیامبر برخاست و اصحاب به همراه او برخاستند. آن حضرت دستور داد تا سعد را بشویند. مردم سعد را به قبرستان آوردند و به لب گور نهادند. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به درون قبر سعد رفت و لحد وی را چید و آن را با دست خود درست کرد و پیوسته می‌فرمود: «سنگ بدهید! گل بدهید! و بدین گونه میان خشتها را محکم کرد. هنگامی که کار ساختن لحد را پایان داد و بر آن خاک ریخت و گور را پر کرد، فرمود: **﴿إِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّهُ سَيَبْلَىٰ وَيَصِلُ إِلَيْهِ الْبَلَاءُ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ عَبْدًا إِذَا عَمِلَ عَمَلًا أَحْكَمَهُ﴾**؛ من می‌دانم که این قبر به زودی فرسوده

آنها را روی هم بچینید] تا وقتی که کاملاً میان دو کوه را پوشانید.»

دستور بعدی این بود که مواد آتش‌زا (هیزم و مانند آن) بیاورند و آن را در دو طرف این سد قرار دهند و با وسایلی که در اختیار دارند در آن آتش بدمند تا قطعات آهن سرخ و گداخته شود: **«قَالَ انْفُخُوا»**؛ «گفت

[در آن] بدمید.» **«حَتَّى إِذَا جَعَلَهُ نَارًا»**؛^۱ «[آنها دمیدند] تا قطعات آهن را سرخ و گذاخته کرد.» در حقیقت، او می‌خواست، از طریق، قطعات آهن را به یکدیگر پیوند دهد و سد یک پارچه‌ای بسازد. ذوالقرنین با این طرح عجیب، همان کاری را که امروز به وسیله جوشکاری انجام می‌دهند انجام داد؛ یعنی به قدری حرارت به آنها داده شد که نرم شدند و به هم جوش خوردند.

سرانجام دستور آخر را چنین صادر کرد: **«قَالَ أَتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ**

قَطْرًا»؛^۲ «گفت مس ذوب شده برای من بیاورید تا بر روی این سد بریزم.» به این ترتیب، مجموعه آن سد آهنین را با لایه‌ای از مس پوشانید و آن را از نفوذ هوا و پوسیدن حفظ کرد. حایز اهمیت است، استحکام این سد است. ذوالقرنین در پایان کار، استحکام این سد را این‌گونه بیان می‌کند: **«فَإِذَا جَاءَ وَعَدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءً»**؛^۳ «هنگامی که وعده پروردگام (قیامت) فرا رسید، آن را در هم می‌کوبد.»

بنابراین محکم‌کاری را باید از اولیای خدا آموخت، سدی می‌سازند که تا آستانه قیامت پابرجاست. کم نگذاشتن در ساختمان‌سازی یکی از موضوعات مهمی است که در احادیث به آن پرداخته شده است. در این مجال به ذکر یک مورد بسنده می‌کنیم:

۲. همان.

۳. همان/۹۸.

۱. همان.

مِنْهُ عَلَىٰ جِبْرَائِيلَ وَ مَبَاهَاةً لِإِخْوَانِهِ؛^۲ هر که برای خودنمایی و شهرت، ساختمانی بسازد، روز قیامت آن را از زمین هفتم بر دوش دارد و آن ساختمان آتش افروخته‌ای می‌شود که طوق گردنش می‌گردد و او در آتش [دوزخ] افکنده می‌شود و تا قعر جهنم خواهد رفت؛ مگر توبه کند. عرض شد: ای رسول خدا! ساختمان ریا و شهرت چگونه است؟ فرمود: اینکه بزرگی خانه بیش از نیاز و حاجتش باشد و بخواهد با بزرگی ساختمان، بر همسایه‌های خود سرفرازی کند و به برادرانش ببالد.

خلاصه آنکه اساس اسلام بر اتقان و محکم کاری در همه امور فردی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و... تأکید دارد. و توجه به این نکته ضروری است که بسیاری از سستیها و کوتاهیها قابل جبران نخواهد بود.

امام صادق علیه السلام درباره کم نگذاشتن در ساختمان سازی و استحکام بنا می‌فرماید: «مَنْ بَنَىٰ فَاَقْتَصَدَ فِي بِنَائِهِ لَمْ يَوْجَرْهُ» هر که ساختمانی بسازد و از آن کم بگذارد، اجری ندارد.»

تأکید این روایت بر این است که نباید به خاطر ارزان‌سازی از نکات ایمنی و استحکام بنا کاست.

البته ذکر این نکته ضروری است که استحکام ساختمان، غیر از ساختمانهای تجملی و پرهزینه امروزی است. رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره چنین خانه‌هایی می‌فرماید: «مَنْ بَنَىٰ بُيُوتًا رِيَاءً وَ سَمِعَتْ حُمْلُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَرْضِ السَّابِعَةِ وَ هُوَ نَارٌ تَشْتَعِلُ ثُمَّ يُطَوَّقُ فِي عُنُقِهِ وَ يُلْقَىٰ فِي النَّارِ فَلَا يَحِسُّهُ شَيْءٌ مِنْهَا دُونَ قَعْرِهَا إِلَّا أَنْ يَتُوبَ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ بَيْنِي رِيَاءً وَ سَمِعَتْ قَالَ بَيْنِي فَضلاً عَلَىٰ مَا يَكْفِيهِ اسْتِطَالَةٌ

۲. من لا يحضره الفقيه، شیخ صدوق، قم.

انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳ ق، ج ۴.